

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگیریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۴ مرداد ۱۳۸۸، ۵ اوت ۲۰۰۹

Iskraa_nkk@yahoo.com منصور فرزاد - عبدالگیریان

کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج شوند

جمهوری اسلامی و هیچ جناح آن توهمی ندارد، بلکه از مبارزه علیه بیحقوقی و برای خواستها و مطالبات برحق خود يك دم باز نایستاده است. بهمین دلیل رژیم اسلامی در طول حاکمیت خود برای پیشبرد اهدافش، برای تشدید استثمار و تحمیل بیحقوقی مطلق به کارگران و برای جلوگیری از اعمال اراده و قدرت کارگران به نیروی سرکوبش اتکا کرده است.

انقلاب جاری علیه جمهوری اسلامی که میلیونها نفر را بخیابانها آورد شیپور پایان حاکمیت جنایتکاران حکومت اسلامی را بصدا درآورده است. این اوضاع شرایط مناسبی برای طبقه کارگر بوجود آورده است که يك حرکت سراسری و قدرتمند علیه جمهوری اسلامی را سازمان دهد.

طبقه کارگر نیز نه تنها مانند اکثریت عظیم مردم ایران به

مردم انقلاب کرده بودند که به آزادی و رفاه برسند. رژیم اسلامی برای مهار همین انقلاب به قدرت رانده شده بود. به همین دلیل اینترا تحمل نکرد و با حمله به مردم دستاوردهای آن انقلاب را پس گرفت و يك ضد انقلاب اسلامی را با سرکوبی خونین سازمان داد. همسرنوشتی مردم کردستان و دیگر مناطق ایران در همان ایام هم به وضوح آشکار بود. زیرا همه شهروندان ایران آزمان امیدشان این بود که انقلابشان به بار بنشیند و ثمر بخشد. ولی ضد انقلاب اسلامی برای پس زدن همین امید و آرزوها به قدرت رسیده بود.

صفحه ۲

نگاهی به تاریخ تحولات و جریانات سیاسی در ایران به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ و دستور خمینی برای کشتار مردم در کردستان

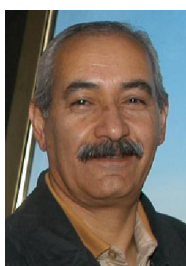


محمد آسگران

رهبران جنبش انقلابی جاری در ایران در برداشته باشد. ابتدا بگویم که ۲۸ مرداد روز آغاز اجرای فرمان خمینی برای کشتار مردم کردستان و آغاز حمله همه جانبه به دستاوردهای انقلاب ۵۷ بود. حمله نظامی گسترده رژیم تازه به قدرت رسیده در سال ۵۸ از کردستان آغاز شد. اما این حمله ای به دستاوردهای انقلاب و همه انقلابیون و مردم آزادیخواه ایران بود. این آغاز حمله ای خونین برای سرکوب انقلابی بود که مردم به منظور رهایی از فقر و استبداد و برای رسیدن به آزادی از قید و بندهای حکومت پهلوی و نظام حاکم به آن دست زده بودند.

در این نوشته میخواهم به تحولات و نیروهای پیردازم که هم در گذشته و هم در دوران حاضر نقش ایفا کرده و شناخت سیاست آنها حائز اهمیت است. برای شناختی تاریخی و دیالکتیکی موضوعات و مولفه هایی که مورد بحث قرار میگیرند میتوانند تجارب زیادی را برای نسل جوان و برای فعالین و

۲۸ مرداد سی امین سال یورش جنایتکارانه رژیم به کردستان



عبدالگیریان

۲۸ مرداد ۵۸ حکومت اسلامی با لشکر کشتی به کردستان، تهاجم وحشیانه ای را برای سرکوب انقلاب در سراسر ایران براه انداخت و این تهاجم را از کردستان آغاز کرد. هنگامیکه خمینی برای استقرار پایه های حکومتش لشکر اوباش اسلامی را به کردستان گسیل داشت و همزمان بخش دیگری از این نیروی سرکوب را روانه ترکمن صحرا، حمله به صف کارگران بیکار و قروق کردن دانشگاهها کرد. خلخالی جلا در کنار توپ و تانک ارتش و سپاه پاسداران، صدها نفر را از پایه تا ارومیه در دادگاههای چند دقیقه ای از دم تیغ گزrand. کشتار وسیع با توپ و خمپاره و هلی کوپترهای جنگی در کردستان، التیماتومی بود

برای زهر چشم گرفتن از کارگران، دانشجویان و مردم آزاده در سراسر ایران که می خواستند انقلاب ناتمام را به سرانجام خود برسانند. این تهاجم مغول وار بعد از سه ماه به شکست انجامید و بار دیگر مردم و احزاب و سازمانهای سیاسی، در ادامه تداوم انقلاب، مجددا شهرهای

صفحه ۳

علیرضا ۱۲ ساله توسط اوباشان اسلامی کشته شد!

صفحه ۵

آخرین جلسه رسیدگی به پرونده اخراج کارگران فرش غرب بافت در اداره کار کرمانشاه برگزار شد

صفحه ۵

بیانیه کارگران پرریس: این کارگران روز چهارشنبه به همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری کردستان دست به تجمع خواهند زد

صفحه ۵

هجده و نیم میلیارد دلار دیگر از ثروت جامعه را از ایران خارج کردند!

صفحه ۵

نمایش شنیع "توب" سازی را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم!

صفحه ۶

چند خبر از سر داشت

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نگاهی به تاریخ تحولات و ...

از صفحه ۱

حکومتی اسلامی و یا حکومت "ناب محمدی" اعلام آمادگی می‌کردند. اکنون همه اینها خود را اپوزیسیون حکومت فعلی جمهوری اسلامی میدانند.

مجاهدین خلق که امروز به این وضع فلاکت بار افتاده و اکنون معضل جدی اینست که افراد آن را باید از این جهنمی که رهبران مجاهدین برای آنها ساخته‌اند نجات داد، در دوران به قدرت رسیدن حکومت اسلامی یکی از نیروهای قدیمی و قوی جنبش ملی اسلامی بود. آن هنگام همین سازمان مجاهدین طی اطلاعیه‌ای نوشت: "اگر امام دستور بفرمایند مجاهدین مردم کردستان را از عوامل بیگانه و ضد انقلاب تفکیک می‌کنند و آرامش را به کردستان برمیگردانند." بزعم مجاهدین ضد انقلاب ما کمونیستها بودیم و "مردم کردستان" مفتی زاده و حزب دمکرات کردستان بودند. در این مورد خیلی زود تاریخ حقانیت ما را ثابت کرد و ارتجاعی بودن سیاست رهبری مجاهدین را به همگان نشان داد. استدلال زیادی لازم نیست تحولات و موفقیت کنونی کمونیستها و اسلامپها برای این ادعا کافی است. توده ایها و بعد از انشعاب سازمان چریکهای فدایی خلق بخش اکثریت آن کل جنبش انقلابی مردم در کردستان و نیروهای دخیل در مبارزات مردم کردستان را همانند خمینی عامل پالیزبان و آمریکا و عامل بیگانه قلمداد می‌کردند. نیروها و سازمانهای جنبش ملی اسلامی کم و بیش همگی همین سیاست را در پیروی از خمینی علیه مردم در پیش گرفته بودند. همه اینها البته در فازهای بعدی عمر جمهوری اسلامی یکی بعد از دیگری مورد غضب امامشان قرار گرفتند و با تعرض حکومت اسلامی مزه همراهی و دوستی با جمهوری اسلامی را چشیدند و قربانی شدند. اما اینها تنها خودشان قربانی سیاستشان نبودند. بلکه با سیاستی که در پیش گرفتند هم باعث تحکیم رژیم اسلامی شدند و هم مردم را قربانی کردند. همچنانکه بسیاری از اصلاح طلبان حکومتی، که امروز در زندانهای حکومت هستند، خودشان مستقیماً قاتلین مردم بوده و در ساختن این ماشین جنایت اسلامی فعالانه شرکت کرده‌اند.

اکنون بعد از ۳۰ سال ضد انقلاب اسلامی، خود با یک انقلاب آزادیخواهانه مواجه شده است. عزم جزم مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بجز بر مغرضان و کسانی که منافعی در این راه دارند بر هیچ کسی پوشیده نیست. مردم در ابعادی میلیونی در خیابانها هستند. جمهوری اسلامی با تمام دم و دستگاه سرکوش توان سرکوب و مهار کردن این جنبش انقلابی را ندارد. پشم و پیله این رژیم ریخته است. انسجام درونیش را از دست داده است. جناحهای مختلفش به جان هم افتاده‌اند. بن بست کامل و بدون راه حل گریبان تمام سرنشینان کشتی حکومت اسلامی را گرفته است. کشتی حکومت اسلامی در حال غرق شدن است. اعتراضات بی امان مردم ایران امکانی برای نجات این کشتی سوراخ شده به ساحل را به هیچ جناحی نمیدهد. جنگ باندهای حکومتی و حاشیه حکومت به دلیل وجود همین جنبش اعتراضی و دورنمای تاریکی که در مقابل این حکومت قرار داده است، آنها را بیش از پیش به جان هم انداخته است. همچنانکه قبلاً هم تاکید کرده ایم اینبار امکان سازش جناحهای حکومت اسلامی و تحکیم دوباره رژیم اسلامی به امری غیر ممکن تبدیل شده است. اصطلاح قدیمی "در سربالایی اسبها همیگر را گاز میگیرند" مصداق حال شرایط کنونی سران حکومت اسلامی است.

در چنین شرایطی همان رژیمی که انقلاب ۵۷ را شکست داد و بقدرت رسید، می‌خواهد این جنبش انقلابی جاری را هم سرکوب کند و امکان پیروزی این انقلاب را از مردم سلب کند. اما این دو مقطع تاریخی هیچکدام از مولفه‌هایشان شباهتی به هم ندارد. دوران اوایل قدرتیگری این باندهای حکومتی فاکتورهایی به نفعشان عمل می‌کرد که اکنون همه آنها به ضررشان است. رژیم اسلامی اعتباری برای نشانده است. هیچ بخشی از مردم به این رژیم متوهم نیستند. شخصیت با نفوذ و وحدت بخشی در میان سران رژیم وجود ندارد. دول غربی اگر ابتدا راه را برای به قدرت رسیدن این رژیم هموار کردند، اکنون برای خلاصی از

کلیه نیروهای سرکوبگر رژیم باید از کارخانه‌ها ...

از صفحه ۱

شورای اسلامی و حراست و بسیج و غیره را به کارخانجات و محیطهای کار آوردند و علیه کارگران بکار گرفتند. تمام فلاکت و بیحقوقی و تعرضی که جمهوری اسلامی در اشکال گوناگون علیه کارگران سازمان داده است بدون چنین نیروی سرکوبی در محیطهای کار نمیتوانست عملی شود.

دست نیروهای سرکوب رژیم از حراست و بسیج تا سپاه و غیره باید از محیطهای کار کوتاه شود و ارگانهای ضد کارگری شورای اسلامی باید تماماً منحل شوند. این يك گام مهم در تعرض به حکومت و يك اقدام موثر و دخالتگرانه در اوضاع سیاسی کنونی و انقلاب جاری است.

در شرایط کنونی امکان موفقیت کارگران برای بیرون انداختن نیروی سرکوب از محیط کار از هر زمان بیشتر است. جنبش کارگری متعین تر از دیگر جنبشهای اعتراضی است، اشکالی از تشکلهای کارگری و طیفی از رهبران کارگری در سطح اجتماعی قدم به پیش گذاشته‌اند و امکان حمایت عملی مردم از این مبارزات بیش از هر زمان فراهم است.

در این شرایط میتوان و باید يك حرکت سراسری برای بیرون انداختن نیروهای سرکوب از محیطهای کار سازمان داد. حزب

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۸ - ۱۲ آوت ۲۰۰۹

موضوعات بالا نقش و سیاست نیروهایی را در جامعه ایران نشان میدهد که در گذشته نه چندان دور در صحنه‌ها و اتفاقات سیاسی مختلفی، نقش بازی کرده و با توجه به این نقشها میتوان جایگاه و ماهیت آنها را به روشنی دید. ابتدا همه اینها خودی های جمهوری اسلامی محسوب میشدند. اما جمهوری اسلامی، تازه به قدرت رسیده از همان اول جنگ قدرت و

امروز همین سازندگان سازمان اطلاعات و سپاه پاسداران، خودشان قربانی دستگاه سرکوبی هستند که در ساختن نقش اساسی داشته‌اند. بسیاری از سران مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت و کارگزاران و ... هم اکنون در پشت میله های زندان هستند. نیروهای جنبش ملی اسلامی هنگامی به فکر شعار آزادی زندانیان سیاسی و حقوق مردم افتاده‌اند که برادران و خواهرانشان را در زندان یافتند.

از صفحه ۲ نگاهی به تاریخ تحولات و ...

جنگ برای تثبیت شدن و عادی شدن حکومت یکی بعد از دیگر همراهان و "پسر عموهایی" خود را قربانی کرد. از همان روزهای اول حکومت با آغاز جنگ قدرت و همزمان جنگ علیه دستاوردهای انقلاب در میان این صف شکاف افتاد. زیرا همانند امروز که موسوی و کروبی و حتی رفسنجانی را در اپوزیسیون میبینید و درجه اپوزیسیون بودن آنها در چهار چوب نظام معنی میدهد، آن هنگام و در سالهای آغاز حکومت رژیم اسلامی هم تعدادی از خودپهانیان مثل مجاهدین خلق و بعدا توده‌ای اکثریتیه و بالاخره نهضت آزادی و... اپوزیسیون قانونی و بعدا غیر قانونی جمهوری اسلامی شدند. جنگ علیه انقلاب آزادیخواهان مردم و مقاومتی که از جانب مردم و نیروهای چپ رادیکال شکل گرفت در میان حکومتیه و مدافعین حکومت اختلاف ایجاد کرد. زیرا هر کدام از آنها راه حل ویژه خود را برای مهار مردم معترض پیشنهاد میکردند. در جدال مردم و نیروهای آزادیخواه و چپ با جمهوری اسلامی جناح خط امام و حزب اللهی با شعار "حزب فقط حزب الله" بقیه رقبا و خودپهان را از حاشیه خود دور کرد و با سرکوب هر اعتراضی حتی اعتراضات نیم بند نیروهای خودی، همه آنها را به اپوزیسیون راند. جناح حاکم و در راس آن خمینی جنگ ایران و عراق را نعمت الهی قلمداد کرد و با استفاده از آن، همه مخالفان سر سخت و حتی نیم بند خود را قلع و قمع کرد و قدرت را یک کاسه کرد.

اما بعد از جنگ ایران و عراق جامعه وارد فاز دیگری شد. چند سالی با سیاست "سازندگی" رفسنجانی همین نیروها بجز مجاهدین خلق که در کنار صدام حسین قرار گرفته بود، قند در دلشان آب شد و فیلشان یاد هندوستان کرد. جنب و جوش اصلاح طلبان حکومتی از همین دوران آغاز شد. بعد از شورشهای شهری در دوران رفسنجانی بخشی از حاکمان تحت عنوان "اصلاح طلبان حکومتی" به این نتیجه رسیدند که ادامه عمر جمهوری اسلامی تنها با سرکوب خشن ممکن نیست. آنها نتایج کشتار و نسل کشی دهه ۶۰ را دیده

بودند و بعد از یک دهه از این نسل کشی، شورشهای شهری را هم در جلو چشم داشتند. متوجه شدند که با کشتار و نسل کشی نتوانسته اند جامعه را به قبرستان تبدیل کنند. به همین دلیل دنبال راه حل و سیاست دیگری برای ادامه حکومت اسلامی بودند. به فکر چاره جویی افتادند. آن هنگام رفسنجانی مانع اصلی به شمار میرفت. همه اصلاح طلبان و دوستان امروزی رفسنجانی در صف جنبش اصلاحات، آن دوره دل خوشی از رفسنجانی نداشتند. اصطلاح "انحصار طلبی" کلمه دقیقی بود که جناح اصلاح طلب به رقبای خود اطلاق میکرد. زیرا برای رسیدن به قدرت جناح حاکم را دوست و متحد خود اما انحصار طلب میدانست و از این گله داشت که بخشی از سازندگان رژیم اسلامی در حاکمیت نیستند و یا از حکومت کنار گذاشته شده بودند. بر این اعتقاد بودند که با شریک شدن همه مدافعین جمهوری اسلامی در قدرت پایه های حکومتشان را محکم میکنند.

بعدا به رهبری خاتمی جنبش اصلاحات حکومتی در دوم خرداد ۷۶ به قدرت رسید. جناح "انحصار طلب" برای مهار نارضایتیهای مردم به قدرتی آنها رضایت داد. اما مردم از همین منفذ استفاده کرده و رژیم را زیر ضرب گرفتند. در ۱۸ تیر ۷۸ این اعتراضات به اوج خود رسید و جنبش توده ای سرنگونی رژیم اسلامی پا به میدان گذاشت. جناح "انحصار طلب" متوجه این واقعیت شد که اصلاح طلبان توان مهار اعتراضات مردم را از دست داده و راهی بجز سرکوب آشکار و خشن نمیتواند برای حفظ جمهوری اسلامی متصور باشد. به همین دلیل احمدی نژاد به عنوان مهره ای که گوش به فرمان سپاه و ولی فقیه است را از صندوق در آوردند. اصلاح طلبان که قبلا مردم و جنبشهای اعتراضی از آنها رد شده بودند، شکستشان برای ولی فقیه به همراه سپاه و اطلاعات کار سختی نبود. بعد از این اتفاقات اصلاح طلبان علیرغم نارضایتی و شکستی که از جناح رقیب خورده بودند به خیال اینکه ولی فقیه و احمدی نژاد

از صفحه ۱

۲۸ مرداد سی امین سال یورش جنایتکارانه ...



اسلامی به انقلاب و دستاوردهای قیام در سراسر ایران بود. خمینی برای زهر چشم گرفتن از مردمی که می خواستند تحقق آزادی و برابری را به سرانجام برسانند، برای زهر چشم گرفتن از کارگران بیکار که خواهان توقعات ماکسیمالیست از قیام ۵۷ بودند و برای چپاندن روسری و حجاب بر سر زنان، فرمان حمله به کردستان را در ۲۸ مرداد ۵۸ صادر کرد. خمینی می خواست با فرمان این حمله جنایتکارانه به کردستان، امکان ایجاد فضای رعب و وحشت را در ابعاد سراسری فراهم سازد. این واقعه تاریخی قابل تحریف به هیچ روایت مذهبی و ناسیونالیستی نیست.

تاریخ سی سال مبارزه مردم کردستان علیه حکومت اسلامی، سند گویایی است که نمی توان با هر تعبیر و روایتی آن را دست کاری کرد. تداوم مبارزه مردم کردستان بعد از ۲۸ مرداد ۵۸ را در مبارزات و اعتراضات کارگری، اول مه ها، هشت مارسها و گرامیادشتهای دفاع از حقوق کودک باید دید. ایجاد و راه اندازی تشکلهای کارگری در سالهای اخیر، یک سر آن در میان تشکلهای کارگری در کردستان و

کردستان را در اختیار خود گرفتند و به فعالیت خود ادامه دادند و بلاخره در نوروز خونین ۵۹ حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی در تلاش برای تثبیت حاکمیت سپاه خود و با کوبیدن شهر و روستاها از زمین و هوا و با به خاک و خون کشیدن هزاران نفر از مردم، شهرهای کردستان را یکی پس از دیگری مجدداً به تصرف خود درآورد.

فراخوان به اعتصاب عمومی در ۲۸ مرداد ۸۸ معنای سیاسی معینی در چفت شدن مبارزه سراسری در شرایط انقلابی این دوره است که مردم قصد به زیر کشیدن حکومت اسلامی را دارند.

۲۸ مرداد روز عزای عمومی به سبک و سنت حکومت اسلامی نیست، روز عزای چند دقیقه ای به روایت مکتب قرآن مفتی زاده در سال ۵۷ نیست و روز ویژه ای در باد زدن و تقدیس آرزوهای ناسیونالیسم کرد هم نیست. برخلاف کسانی یا جریاناتی که می کوشند وقایع ۲۸ مرداد ۵۸ را در درون "جغرافیای کردستان"، بعنوان واقعه ای مختص به کردستان تعریف و تحریف کنند، ۲۸ مرداد سرآغاز حمله رژیم

ممکن است بتوانند به کمک سپاه پاسداران و اطلاعات راهی برای حفظ رژیم و ساکت کردن مردم در جیب داشته باشند علیرغم تقلب در انتخابات و نق زدن کروبی و رفسنجانی ساکت شدند و منتظر ماندند.

در چهار سال اول ریاست جمهوری احمدی نژاد و نقش برجسته فرماندهان سپاه در سیاست گذاری و

اداره کشور، نارضایتی مردم علیرغم افت و خیزهایش نه تنها فروکش نکرد بلکه عمیقتر، بنیادینتر و تهدید کننده تر از قبل پا به میدان گذاشت. نمونه برجسته آن تحرك جنبش کارگری در اول مه ۸۸ و گسترش جنبش خلاصی فرهنگی در همه ابعاد جامعه بود. قبلا تشکلهایی از دانشجویان و زنان به این میدان آمده بودند اما فضای سرکوب و زندان و

سر دیگر آن در شرکت واحد و هفت تپه قرار دارد و در دو دهه اخیر عمیق ترین همبستگی طبقاتی و اجتماعی را در سطح سراسری فراهم کرده است. بعد از گذشت سی سال کسانی پیدا شده اند تا به تصویر این مقاومتها، جانفشانی ها، مقاومت و از خودگذشتگی های مردم کردستان علیه حکومت اسلامی، رنگ و بوی عزا و ارتجاع مذهبی و محلی بزنند. قطعاً ما و مردم و نیروهای چپ انقلابی همانگونه که تا کنون اجازه نداده ایم که مذهب و ناسیونالیسم در کردستان سرنوشت مبارزه مردم را رقم بزند، از این به بعد هم نخواهیم گذاشت.

فراخوان به اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان اعلام دعوت به اعتصاب عمومی مختص به تنها در کردستان نیست. چرا که مقاومت مردم و نیروهای سیاسی در ۲۸ مرداد ۵۸ يك مقاومت اجتماعی و مرتبط با مبارزات سراسری مردم ایران برای به سرانجام رساندن انقلاب بود. در اطلاعیه حزب از کلیه انسانهای آزادیخواه در کردستان و در سراسر کشور خواسته شده است که برای محکومیت توحش رژیم اسلامی در کردستان بیدان بیابند. حکمت این فراخوان در شرایط پر تحول سیاسی این دوره که رژیم اسلامی با انقلابی از سوی مردم ایران روبرو است می تواند شروع حرکتی قدرتمند از طرف مردم شهرهای کردستان در همگامی با اعتراضات و تظاهرات خیابانی مردم سراسر کشور علیه حکومت اسلامی باشد.

* * *

اعتراضات خبلی زود تشکلهای موجود آنها را کم اثر کرد. ولی جنبش کارگری و جنبش خلاصی فرهنگی را نمیتوانستند مثل جنبشهای دیگر نادیده بگیرند. جنبش اصلاح طلب حکومتی اینبار اعلام کرد که "احساس خطر میکند". احساس این جناح رژیم واقعی و درست بود. موسوی برای

از صفحه ۳ نگاهی به تاریخ تحولات و ...

نجات رژیم و شریک کردن اصلاح طلبان در حکومت، به میدان آمد. از همان آغاز رقابتهای انتخاباتی معلوم شد که هر کدام از این جناحها برای حفظ رژیم و تسلط بر میلیاردها دلاری که از اموال مردم نصیب حکومت گران شده است اختلافشان به جای حساسی رسیده است. هر کدام از آنها طرف مقابل را به دزدی از این خوان یغما متهم میکرد. این اختلاف منافع به جایی رسیده بود که باید یک جناح، جناح دیگر را منکوب کند. امکان سازش و کنار آمدن به پایان رسیده بود. به همین دلیل اینبار مسئله تقلب در انتخابات مثل بار قبلی قابل چشم پوشی نبود.

جنگ جناحها بعد از اعلام نتیجه انتخابات به مرحله تازه ای رسید. جناح طرفدار اصلاحات حکومتی علیرغم اینکه میدانست مردم از اختلافات آنها برای تضعیف کلیت رژیم اسلامی استفاده میکنند، به این رضایت داد، به این امید که در وسط راه با اصلاحاتی در سیاست و قوانین حکومتی و انقلابی نیمچه مخملی بتواند آنها را کنترل کند و در چهار چوب نظام متوقف نمایند. اگر استراتژی اصلاح طلبان تا قبل از انتخابات شریک شدن در قدرت همراه جناح رقیب بود، اکنون استراتژی آنها به برکناری احمدی نژاد و خامنه ای ارتقا پیدا کرده است. زیرا اینها متوجه شده اند که استراتژی جناح حاکم نابودی سیاسی و حتی فیزیکی جناح بازنده انتخابات است. راهی برای حفظ سرمایه های موجودشان و حتی حفظ وجود فیزیکی رهبران بازنده انتخابات نمانده بود. به همین دلیل یا باید تسلیم صد در صد میشدند و سر و مال خود را با تمام سرمایه هایی که در طول عمر رژیم عایدشان شده است را از دست میدادند و یا باید مقاومت میکردند. اصلاح طلبان حکومتی ناچار شدند راه دوم را انتخاب کنند. برای این امر بجز استفاده از نفرت عمومی مردم علیه جمهوری اسلامی راهی برای آنها باز نبود و نیست. زیرا تمام ارگانهای سرکوب و کل امکانات مادی و سیاسی دولتی در اختیار جناح حاکم است. جناح مغلوب تنها امکانی که برایش مانده است نگهداشتن مردم

در صحنه است. اتکای فعلی این جناح به مردم از این منفعت مادی و عینی سرچشمه میکیرد. مردم هم از این جنگ جناحها دارند اهداف خود را تعقیب میکنند. کلیت رژیم اسلامی را تضعیف میکنند و به خط پایان عمر آن نزدیکتر میشوند. دشمنان مردم به جان هم افتاده اند. مردم به درست پا لای در گذاشته اند و اجازه نمیدهند این دروازه بسته بشود. مردم با اتخاذ تاکتیک هشیارانه در قدم اول میخواهند جناح حاکم نه تنها موفق و پیروز این جنگ نباشد، بلکه در این جنگ شکست بخورد. زیرا شکست جناح حاکم در شرایط فعلی به معنی شکست کلیت دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی در مقابل مردم است. بقول منصور حکمت این بادکنکی است که اگر سوراخ شود، میترکد و کلیت حکومت با جناحها و مهره های مختلف اش میروند. تصور کنید در پایان این جنگ احمدی نژاد و ولی فقیه قربانی شده اند و فرماندهان سپاه و بسیج و ارتش نتوانسته اند رهبر و رئیس جمهورشان را در مقابل تعرض مردم حفظ کنند. آن هنگام قطعا کسانی مثل موسوی و رفسنجانی و خاتمی نمیتوانند نقش خمینی را بازی کنند. اگر شانس یار آنها باشد احمد بنی احمد و یا در بهترین و دیر هنگام ترین حالت شاهپور بختیار میشوند. مردم از آنها عبور خواهند کرد. در آینده ایران بطور قطع هر حکومتی به قدرت برسد نمیتواند حکومتی مذهبی باشد. زیرا مردم علیه یک حکومت مذهبی به میدان آمده اند و کسی نمیتواند آنها را به زیر پرچم خونین اسلام برگرداند. ما سالها قبل و مشخصا قبل از انتخابات همه این مولفه ها را به دقت بررسی و به جامعه اعلام کرده ایم مرتب آنها تکرار کرده ایم. به همین دلیل آگاهانه و با چشمی باز نه تنها از این جنبش حمایت میکنیم بلکه آنها را یک جنبش انقلابی برای راهی میدانیم. ما میدانیم که هر قیام و شورش را نمیشود انقلاب نامید این احزاب و جریانات موثر و دخیل در اعتراضات مردم هستند که یک چنین جنبشی را میتوانند به انقلاب و یا آترا مهار و در نیمه راه به نتایجی عکس اهداف آن تبدیل

کنند. انقلاب کار احزاب نیست اما بدون احزاب و بدون رهبری هم ممکن نیست. در عین حال هیچ جنبش توده ای را نمیتوان نامبرد که گرایشات و جریانات مختلف و متضاد در آن دخیل نباشند. همچنانکه جنگ با حاکمان جنگی سرنوشت ساز است، حاشیه ای کردن جریانات دخیل در اعتراضات هم به همان اندازه مهم و جدی است. در این اعتراضات اخیر جنبشهای مختلفی با پرچمهای متفاوتی دخیل هستند. برد و باخت هیچکدام قطعی و از پیش تعیین شده نیست. اما میتوان روندهای سیاسی و تاریخی را دید و بر آن تاثیر گذاشت. من آینده این جنبش انقلابی اخیر را به دلیل وجود قوی جریان رادیکال و کمونیستی متحز و موثر، و به دلیل تسلط فرهنگ مدرن در جامعه روشن و امیدوار کننده میبینم. طبعاً جریان اسلامی مدافع جمهوری اسلامی اصلاح شده و کل نیروهای جنبش ملی اسلامی هم تلاش خواهند کرد که این جنبش را در نیمه را متوقف کنند. جریان ناسیونالیسم پروغرب هم با اتکا به همین جنبش ملی اسلامی اهداف خود را تعقیب میکند. به نظر من علیرغم نقش فعلی جنبش ملی اسلامی آینده سیاسی ایران را دو جریان اصلی چپ کمونیستی و راست ناسیونالیستی پروغرب رقم خواهند زد.

انقلاب سوسیالیستی اگر در شرایط کنونی در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی و حاشیه ای کردن همه مدافعین آن است، پیروزی سوسیالیسم بعد از جمهوری اسلامی در گرو حاشیه ای کردن جنبش ناسیونالیستی پرو غرب است. جریانات اسلامی با این شکل و قواره و سیاست فعلی نمیتوانند جلو انقلاب مردم را بگیرند. آنها تغییر خواهند کرد و در یک پروسه تاریخی همه آنها در زیر پرچم ناسیونالیسم ایرانی و برای "ایرانی مدرن" و متحد آمریکا و غرب بر محور "منافع ملی" متحد خواهند شد.

شرط پیروزی بر جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب این است که کمونیستها بتوانند فی الحال در راس جنبش انقلابی فعلی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی قرار گیرند. کسی که این جنبش را نادیده بگیرد، از همین حالا جنگ را

باخته است. مردم را دو دستی تحویل جنبشهای ملی اسلامی و ناسیونالیستی داده است. سوسیالیسم و کارگر با خواندن اوارد ایدئولوژیک پیروز نمیشوند. جنبش سوسیالیستی یک جنبش قوی و موثر در ایران است. احزاب و فعالین و دلسوزان انقلاب سوسیالیستی در همین جنبش جاری باید بتوانند رهبری را بدست بگیرند و جنبشهای ضد انقلابی و غیر انقلابی را حاشیه ای کنند. سوسیالیسم پراتیک یعنی دخالت در سرنوشت جامعه برای رها و حاشیه ای کردن و شکست جنبشهای دیگر. جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم اسلامی تا کنون با افت و خیزهای زیادی مواجه شده است. اما اکنون و بعد از سالها به جایی رسیده است که احساس قدرت میکند و با استفاده از شقه شدن دشمنانش به میدان آمده است که پیروز بشود. در این بزنگاه همه جنبشهای سیاسی و احزاب آنها تلاش میکنند ورق را به نفع خود برگردانند. کسی که خود را کنار میکشد و در این جنگ دخالت نمیکند از همین حالا بدون اینکه از کسی شکست خورده باشد پرچم سفید بلند کرده است و بی خاصیتی خود را اعلام کرده است. اولین کسی که از این اتفاق خوشحال خواهد شد همان حاکمانی هستند که فی الحال مشغول سرکوب مردم و به خانه فرستادن آنها هستند.

این درست است که اعتراضات اخیر به بهانه تقلب در انتخابات اوج گرفت. اما نباید فراموش کرد که این جنبشی است ابتدا علیه کلیت رژیم اسلامی و علیه همین اصلاح طلبان و در دوران ریاست جمهوری خاتمی پا به میدان گذاشت و از همین جناح ضربه خورده است. افت جنبش سرنگونی طلبی هنگامی آغاز شد که هر دو جناح متحد و علیه آن در تیر ۷۸ به سرکوب آن پرداختند.

اکنون بخشی از زندانبانان قبلی در پشت میله های زندان هستند و رقبای خودی آنها برای سرکوب مردم ناچار شده اند که به خودیها هم رحم نکنند. همچنانکه در گذشته دورتر به توده ای اکثریتها و نهضت آزادی و... هم رحم نکردند.

همه اینها اکنون کم و بیش به اپوزیسیون حکومت فعلی رانده شده

اند. همه اینها با سرکار آمدن جمهوری اسلامی پیروز شده بودند. اما وجود جنبشهای اعتراضی و اخیرا با به میدان آمدن جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی آنها را در موقعیت تازه ای قرار داده است. این به نفع مردم است که مدافعین دیروز این رژیم اکنون مخالفین آن شده اند. هر چقدر مردم با قدرت در میدان باشند ما شاهد تعداد بیشتری از این نوع اپوزیسیون خواهیم بود. بعید نیست فردا تعدادی دیگر از همین جناح حاکم صندلی خود را عوض کنند و به اپوزیسیون تبدیل شوند. از رفسنجانی منفرود تر مگر خامنه ای و احمدی نژاد باشند. اما او هم ناچار شده است سفره خود را از خامنه ای و احمدی نژاد جدا کند.

هنگامیکه آب به لانه مورچه ها سرازیر میشود هر کدام از آنها به طرفی فرار میکنند تلاش میکنند خود را نجات بدهند. این اتفاقی است که اکنون سیل خروشان جنبش انقلابی مردم بر سر حاکمان و مدافعین جمهوری اسلامی آورده است. این سیل را باید خروشانتر و هدفمندتر کرد. جنبش سوسیالیستی و کارگری فقط با سیاستی دخالترانه و آگاهانه برای پیروزی این جنبش که ابعاد میلیونی به خود گرفته است میتواند پیروز شود. جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی بحث آلترناتیو آینده ایران را هم به جلو صحنه سوق داده است.

بلاخره در این جنگ و نتایج آن چپ و راست جامعه در مقابل هم صف آرایی کرده و میکنند. راستها به دلیل تشخیص منافع طبقاتی خود بلافاصله مواضع سیاسییشان شفاف شد. نیروهای ناسیونالیسم پرو غرب و مجاهدین خلق و اکثریت و توده ای و... همگی مستقیم و غیر مستقیم از موسوی حمایت خود را اعلام کرده اند. متأسفانه در میان چپ بجز حزب کمونیست کارگری که با تمام توان وارد این جنگ شده و تلاش میکند جنبش انقلابی مردم را در جهتی رادیکال و انسانی رهنمون شود، بقیه جریانات موسوم به چپ هنوز گیج و منگ هستند. هر کدام به دلیلی متوجه نیستند چه اتفاقی در ایران افتاده است. هنوز با معیارهای چند سال قبل به این

آخرین جلسه رسیدگی به پرونده اخراج کارگران فرش غرب بافت در اداره کار کرمانشاه برگزار شد

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران دیروز شنبه یازدهم مرداد ماه هشتاد و هشت دومین جلسه هیئت حل اختلاف (هیئت هم عرض) اداره کار کرمانشاه برای رسیدگی به وضعیت کارگران کارخانه فرش غرب بافت تشکیل شد.

کارگران فرش غرب بافت دیروز به همراه تعدادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در اداره کار کرمانشاه حضور پیدا کرده بودند و نماینده آنان به همراه وکیل کارگران آقای دکتر خلیل

بهرامی در جلسه هیئت حل اختلاف شرکت کردند. در پایان این جلسه به کارگران فرش غرب بافت اعلام شد ظرف مدت ۲۰ روز آینده هیئت حل اختلاف رای خود را صادر و آنرا به اداره کار سنندج ابلاغ خواهد کرد.

لازم به یادآوری است مرداد ماه سال گذشته کارفرمای فرش غرب بافت اقدام به اخراج کارگران این کارخانه کرد و هیئت تشخیص و هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج رای به اخراج کارگران این کارخانه داد.

بدنبال این رای ضد کارگری از

سوی اداره کار سنندج، کارگران فرش غرب بافت بارها اقدام به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار سنندج کرده و همزمان به دیوان عدالت اداری شکایت نمودند و نهایتاً دیوان عدالت اوایل اردیبهشت ماه امسال رای اداره کار سنندج را مبنی بر اخراج کارگران نقض و پرونده این کارگران را برای رسیدگی به هیئت هم عرض (هیئت حل اختلاف اداره کار کرمانشاه) ارسال نمود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۲ مرداد ماه ۸۸

باینه کارگران پریس این کارگران روز چهارشنبه به همراه خانواده هایشان در مقابل استانداری گردستان دست به تجمع خواهند زد

دیگری به نفع کارفرما و علیه ما کارگران کرده است، لذا بدینوسیله اعلام میداریم چنانچه تا روز چهارشنبه مورخه ۱۴/۵/۸۸ اقدام فوری و عملی برای پرداخت دستمزدهای معوقه و بازگشت بکارما از سوی کارفرما و دستگاههای مسئول اجرای حکم دیوان عدالت به عمل نیاید به ناچار برای احقاق حق مان همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری گردستان دست به تجمع خواهیم زد.

کارگران کارخانه رسیدگی
پریس سنندج ۱۲/۵/۸۸

تکثیر و پخش:
اتحادیه آزاد کارگران ایران



در این مدت اداره کار سنندج و دادگاه اجرای احکام با وجود پیگیریهای مکرر ما هیچگونه اقدام عملی برای اجرای رای دیوان عدالت بعمل نیاورده اند و بویژه اداره کار سنندج در تبانی آشکار با کارفرما و بر خلاف نص صریح رای دیوان عدالت، اقدام به صدور رای

با توجه به حکم بازگشت به کار ما کارگران پریس با قراردادهای دائمی و پرداخت دستمزدهای ایام بلاتکلیفی که در مورخه ۱۶/۱/۸۸ از سوی دیوان عدالت اداری صادر گردیده است و از آنجا که از تاریخ صدور این حکم نزدیک به چهار ماه گذشته است و

از صفحه ۴ نگاهی به تاریخ تحولات و ...

جنبش مینگرند. تحلیلشان از حکومت و جنگ باندهای حکومتی در چهار چوبهای قبلی بیان میشود. در حالیکه جامعه وارد فازی سرنوشت ساز شده است.

اما حزب کمونیست کارگری علیرغم هشدارش به همه نیروها و جریاناتی که خود را چپ میدانند اعلام کرده است که این دوران حساس و سرنوشت ساز است. در این جنگ مردم در نهایت بین چپ و راست یکی را انتخاب میکنند. چپی که در این جنگ خود را دخیل نمیداند و وظیفه ای برای خود قایل نیست و یا حتی علیه حضور مردم در خیابان است جز تلفات اتفاقات تاریخی محسوب میشوند. اما چپی که احساس مسئولیت میکند و خود را بخشی از جنبش انقلابی مردم میدانند و میخواهد راه انقلاب کارگری را مهار کند راهی بجز تقویت حزب کمونیست کارگری به رویش باز نیست. چپ ایران اگر شانس داشته باشد این است که این حزب به قدرت برسد. در غیر اینصورت چپ باید دهها سال دیگر بنشیند و با همدیگر بحث تئوریک

کنند. علیرغم گنجی و منگی بخش مهمی از نیروهایی که خود را چپ میدانند، حزب کمونیست کارگری وظیفه خود میدانند که با اتکای اصلی اش به جنبش کارگری و جنبش انقلابی مردم برای آزادی و خلاصی فرهنگی و رهایی از قوانین و مقررات مذهبی تلاش کند این جنبش به پیروزی برسد و رژیم اسلامی را به زیر بکشد. تلاش ما این است که سد و مانع نیروهای جنبش ملی اسلامی و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در جلو پیشروی جنبش انقلابی مردم را کنار بزنیم و راه پیروزی این جنبش را هموار کنیم. مدافعین انقلاب کارگری در قدم اول راهی بجز این ندارند که تلاش کنند این جنبش انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی به پیروزی برسد. این کاری است که حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت درگیر آن است. ما همه نیروهایی چپ و آزادیخواه را به تقویت این صف فرامیخوانیم.

علیرضا ۱۲ ساله توسط اوباشان اسلامی کشته شد!



شود، در این هنگام دست او از زندگی کوتاه می شود علیرضا بر اثر اصابت ضربه ی باتوم که به سرش خورد دچار خونریزی مغزی شد و کشته شد. علیرضا فقط ۱۲ سال سن داشت. خانواده علیرضا بعد از ۴ روز بالاخره دیروز توانستند جنازه او را از پزشک قانونی تحویل بگیرند.

پنجشنبه گذشته علیرضا همراه با پدرش برای شرکت در چهلم روز سرکوب اخیر به بهشت نذر رفته بودن در هنگام بازگشت لحظه ای دست علیرضا از دست پدرش جدا می

این هجده و نیم میلیارد دلار نمونه دیگری از دزدی و چپاول سران حکومت و ایادی آنها است. این جانیان دارند فرار میکنند و اموال متعلق به مردم را با خود میبرند. اینها را باید بزیر کشید و این ثروتهای افسانه ای را از حلقوم آنان بیرون کشید و صرف رفاه و نیازمندیهای جامعه کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مرداد ۱۳۸۸ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۹

دلاری اخیر شامل ۲۰ تن شمش طلاست. بجز بانک مرکزی کدام ارگان میتواند ۲۰ تن طلا را نگهداری کند؟ بجز توافق بالاترین سران حکومت و اجازه رسمی از نهادهای دولتی چه کسی میتواند تریلی حامل ۲۰ تن طلا و هفت و نیم میلیارد دلار اسکناس را تا مرز ترکیه و بعد تا آنکارا بسلامت و بدون مزاحمت رد کند؟ پاسخ روشن است و خارج کردن این سرمایه هنگفت فقط با هماهنگی و حمایت باندهای خود حکومت صورت گرفته است.

هجده و نیم میلیارد دلار دیگر از ثروت جامعه را از ایران خارج کردند!

سالانه چند کشور جهان است! این فقط یک نمونه از چپاول مردم توسط سرمایه داران و آیت الله ها و سران حکومت اسلامی است و قبلا نیز سران رژیم پولهای بسیار زیادی را خارج کرده و به حساب خود در بانکهای کشورهای دیگر واریز کرده اند. یک نمونه آن دو حساب مجتبی خامنه ای است که یکی از آنها یک میلیارد و ششصد هزار دلار و دیگری حدود نیم میلیون یورو بود. محموله هجده و نیم میلیارد

توقیف میشود. هنوز معلوم نیست که این پول هنگفت متعلق به کدام یک از آیت الله ها و سران حکومتی است و چگونه این غارت صورت گرفته است.

با احتساب دویست هزار تومان بعنوان متوسط حقوق یکماه کارگران، مبلغ هجده و نیم میلیارد دلار خارج شده معادل حقوق یکماه بیش از ۹۰ میلیون کارگر است، یعنی چند ماه حقوق مزدبگیران کل جامعه ایران! این پول معال بودجه

اخیرا خبر يك مورد دیگر از چپاول ثروت جامعه و ارسال آن به خارج ایران علنی شد. بنا به خبر منتشره در تلویزیون ترکیه فردی بنام "اسماعیل صفاریان نسب" يك محموله هجده و نیم میلیارد دلاری را در دسامبر ۲۰۰۸ از ایران خارج کرده و به ترکیه برده است. این محموله هجده و نیم میلیارد دلاری شامل مقداری پول نقد به دلار و بیست تن شمش طلا بوده است که در گرمک آنکارا توسط دولت ترکیه

چند خبر از سردشت

گشت.

بتاریخ ۱۲/۵/۸۸ ساعت ۱۰ صبح جوانی ۲۳ ساله به اسم "رحیم محمود پور" مشهور به "رحیم گورانگی" اهل روستای "گورانگان" سردشت در منطقه "برده پان" به دست مزدوری به اسم سروان گنج علی فرمانده گردان بیوران سردشت بقتل رسید، که بر اساس گفته شاهدان عینی مقتول در حال تردد بوده که از سوی گنج علی به ضرب گلوله بقتل رسید. لازم به اشاره است که سروان گنج علی تا کنون ۵ نفر را بقتل رسانده است

بتاریخ ۱۲/۵/۸۸ در نزدیکی روستای "که له کاوی" بین شهرستان سردشت و مهاباد زنی حامله بعد از شکنجه و حتک حرمت بدار آویخته شد که تا اکنون هویت واقعی این زن و دلیل قتل مشخص نشده است.

همچنین بتاریخ ۱۱/۵/۸۸ جوانی ۲۰ ساله به اسم "خضر کاک رسول" مشهور به "حاجی" اهل روستای "دوله تو" در منطقه "مرداو" در حال کشاورزی بدست ماموران نیروی انتظامی بقتل رسید. جوانی دیگر بشدت مجروح

اطلاعیه درباره تغییر فرکانس کانال جدید

به اطلاع میرسانیم که بدنبال چندماه پرازیت از طرف جمهوری اسلامی و تشدید آن در يك ماه گذشته، کانال جدید در شبکه هات برد از روز ۵ مرداد، ۲۷ ژوئیه، قطع شده است. مشغول تلاش برای برگشتن روی شبکه هات برد هستیم، و امیدواریم بزودی تلاش ما به نتیجه برسد. فرکانس و مشخصات تازه کانال جدید بزودی به اطلاع همگان خواهد رسید.

در حال حاضر میتوانید برنامه های کانال جدید را روی شبکه یوتل سات که مشخصات آن در پایین ذکر شده است مشاهده کنید. کانال جدید کماکان در اینترنت نیز قابل مشاهده است.

مشخصات کانال جدید بر روی یوتل سات:
Eutelsat W2M @ 3.0 East

فرکانس ۱۱۴۷۲
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۲
پلاریزاسیون Vertical

برای تماشای برنامه های کانال جدید در اینترنت به آدرس روزنه www.rowzane.com مراجعه کنید.

این مشخصات را به دوستان و آشنایان خود در ایران و خارج کشور اطلاع دهید.

کانال جدید

۲۹ ژوئیه ۲۰۰۹، ۷ مرداد ۱۳۸۸

نمایش شیخ "تواب" سازی را بر سر جمهوری اسلامی خراب کنیم!

روز گذشته نمایش ضد انسانی اعتراف گیری و تواب سازی تحت عنوان "دادگاه متهمان آشوب های اخیر" و با حضور حدود صد نفر از دستگیر شدگان هفته های اخیر آغاز شد. این نمایشات توهین به حرمت انسانی بدون تردید موجی قدرتمند از نفرت و خشم را در مردم برخواهد انگیخت. بر هر نظری واضح است که این اقدامات نه از سر قدرت که آخرین تلاش های رژیم مفلوک و درمانده جمهوری اسلامی در مقابله با انقلابی است که سرتپای این رژیم را به لرزه درآورده است. مردم این آشوب و استیصال در صفوف اوباش اسلامی را می بینند و این نمایشات را بر سر برپا دارندگان خراب خواهند کرد.

گرچه برخی قربانیان نمایش رسوای دیروز خود به جریانی تعلق دارند که در دهه های اول جمهوری اسلامی دستگاه های مخوف امنیتی و از جمله پروژه های تواب سازی را بر علیه کمونیست ها و مخالفین نظام برپا کرد، اما حتی دیدن چهره ابطخی و عطریانفر که سعی میکنند عقاید قبلی خود را انکار کنند و بر علیه خود و همفکرانشان شهادت دهند برای هر انسانی مشتمت کننده و غیر قابل تحمل است. اما نباید از یاد برد که اینان امروز قربانی شیوه های ضدانسانی و رذیله ای هستند که خود در شکل دادن به آن نقش مهمی ایفا کرده اند. سی سال است جمهوری اسلامی این بساط را علیه مخالفین خود بکار گرفته است و اگر امروز علیه جناحی از خود حکومت این تیغ کشده

میشود این بازتاب قدرت انقلابی است که کل این رژیم را نشانه گرفته و آنرا در آستانه سرنگونی قرار داده است.

در کنار کسانی که خود تا دیروز در بر پائی این نوع نمایشات سهم داشته اند، دهها نفر از تظاهر کنندگان هفته های گذشته نیز به این اصطلاح دادگاه آورده شده بودند و با اتهاماتی نظیر "افسد فی الارض" مواجه شدند که بوی خون از آن به مشام میرسد. و از همه مهمتر در کیفرخواست این دادگاه کشیف اسلامی بطور مذبحانه و توهین آمیزی کوشش شد تا بر جنبش انقلابی بحق مردم علیه جمهوری اسلامی تحت عنوان "پروژه شکست خورده انقلاب مخملی" لجن نفرت و تحریف پاشیده شود. همه اینها مردم انقلابی و متمدنی را که بیخاسته اند تا به دوره سیاه جمهوری اسلامی پایان دهند، در عزم و اراده خود برای به گور سپردن رژیم دروغ و زندان و شکنجه و تویه و اعدام مصمم تر خواهد کرد.

نمایش اعتراف گیری رژیم همچنین تلاشی از سوی جناح احمدی نژاد - خامنه ای برای حمله به جناح مخالف خود و مقدمه ای بر تشدید بازهم بیشتر دعوای درونی جمهوری اسلامی است. اکنون بیش از گذشته روشن است که نه فقط چشم انداز سازش و مصالحه در نزاع های دستجات متعدد جمهوری اسلامی متصور نیست، که این اوباش در لشکرکشی علیه یکدیگر هردم به تحلیل میروند.

مردم انقلابی!

این نمایشات کشیف را به نیروی اعتراض خود متوقف کنید. نباید اجازه داد که جنایتکارانی که ۳۰ سال است این جامعه را به خاک و خون کشیده اند بیش از این در تقلا برای نجات خویش چنین حرمت انسان ها و پیش پا افتاده ترین حقوق انسانی را لگدمال کنند. حزب کمونیست کارگری همه شما را فرا میخواند تا وسیعا علیه این نمایشات تویه سازی و علیه این توحش اسلامی که دادگاه و محاکمه نام گرفته است به میدان بیایید. برای باز کردن در زندان ها و آزادی همه زندانیان سیاسی متحد و متشکل شوید. رژیم اسلامی در محاصره انقلاب شمات و نباید به جانبان مهلت داد. با اعتراضات وسیع خود علیه این نمایشات و این جنایات به همه مردم دنیا نشان دهید که مصمم هستید تا کل جمهوری اسلامی را، برای همیشه به گذشته بسپارید. مصمم هستید جامعه ای بسازید که نه فقط مذهب هیچ جایی در حکومت و قضا و امور رسمی جامعه ندارد، نه فقط زندانی سیاسی و شکنجه و اعدام وجود ندارد، بلکه سرتپای آن برای تامین رفاه و شادی و حرمت انسانها ساخته شده است. جمهوری اسلامی همین است و همین بوده است و باید تماما سرنگون شود.

مرگ بر حکومت اعدام و شکنجه
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ مرداد ۱۳۸۸، ۱۲ اوت ۲۰۰۹

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار
به انسان است.**

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!